

## تجلی پیامبر در خواب صوفیه

\* محسن محمدی فشارکی

\*\* محمد چهارمحالی

### ◀ چکیده:

«خواب» و «رؤیا» در آثار صوفیه، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، به گونه‌ای که بعضی از معروف‌ترین کتب عرفانی، بخش ویژه‌ای برای خواب و رؤیا و انواع آن اختصاص داده‌اند. از جمله والاترین خواب‌ها نزد صوفیه و مشایخ آن، «خواب دیدن پیامبر گرامی اسلام» است. در این گفتار، تنها به خواب‌هایی از پیامبر(ص) پرداخته می‌شود که در مهم‌ترین آثار مثنوی صوفیه در طی چهار قرن (قرن چهارم تا هشتم) نقل شده است. این خواب‌ها از منظر موضوعی و محتوایی، تفکیک و تبیین گردیده است، و اولین خوابی که از ایشان دیده شده و مهم‌ترین خواب ایشان در کتب مورد بررسی و همچنین از تأثیر و نتیجه این خواب‌ها و رؤیاها سخن می‌رود. همچنین در آغاز این مقاله به تفصیل درباره خواب و رؤیا و دیدگاه‌های مختلف مشایخ صوفیه نسبت به آن در منابع مورد بحث، سخن رفته است.

### ◀ کلیدواژه‌ها: خواب، پیامبر، صوفیه، عرفان، مشایخ.

\* استادیار دانشگاه اصفهان / Feaharaki311@yahoo.com

\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات فارسی، دانشگاه اصفهان / Mm\_ch121@yahoo.com

## مقدمه

از آنجا که عرفان ایرانی- اسلامی بنا بر متون صوفیه، ریشه در کتاب و سنت حضرت رسول (ص) دارد، و تمامی فرق صوفیه، انتساب خرقة ارادت و تلقین ذکر و صحبت خود را به پیامبر (ص) می‌رسانند<sup>1</sup>، رفتار و سخنان و حالات ایشان نزد صوفیه، اهمیت والایی داشت<sup>2</sup> و به تبع آن، خواب دیدن وجود مبارک پیامبر، در کانون توجه آن‌ها بود، به طوری که برای صوفیه بسیار ارزشمند و گره‌گشا بود و ویژگی خاصی می‌طلبید که فقط برخی از پیران و مشایخ به سعادت آن نایل می‌شدند. برای ورود به این مبحث، ابتدا پیشینه خواب در متون منثور عرفانی مورد نظر، به اجمال بررسی می‌شود.

## 1. پیشینه خواب در متون منثور عرفانی

آن‌گونه که از فراین این متون مشخص است، ریشه اهمیت خواب نزد صوفیه به عنوان «رؤیای صادقه» و «صالحه» و «اضغاث احلام»<sup>3</sup> به قصه حضرت یوسف (ع) و خواب وی و تأویل آن خواب‌ها توسط این پیامبر صدیق در قرآن و آیات آن برمی‌گردد.

- «إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ» (یوسف / 4)

- «إِنِّي أَرَى سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ...» (همان / 43)

پس از قرآن، احادیث و اقوال پیامبر درباره خواب برای صوفیان معتبر است. در این بخش، همچون بخش استناد به آیات قرآن، خواب نزد برخی از بزرگان تصوف پسندیده است و جزئی از اجزای نبوت می‌باشد:

«قال النبي صلى الله عليه و سلم: الرؤيا الصالح جزء من ستة و اربعين جزء من النبوة.» (مرصاد العباد، ص 289)

«چنان‌که در خبر است به روایت عایشه: اول ما بُدئُ به رسول الله صلى الله و سلم من الوحي الرؤيا الصادقة في النوم فكان لا يرى نوماً الا جاءت مثل فلق الصبح.» (مصباح الهداية، ص 172-173)

این‌گونه احادیث مشخص می‌کنند که خواب نیکو و رؤیای صادقه، پسندیده است، اما از نظر بعضی دیگر از بزرگان صوفیه، ممکن است خواب، ناپسند باشد که نوع اضغاث احلام و خواب عادت را شامل می‌شود:

«نزدیک گروهی مسلم نیست مرید را که بخشید جز اندر حال غلبه؛ آنگاه که خواب را از خود باز نتواند داشت کی رسول گفت صلعم: "النوم اخ الموت: خواب، برادر مرگ است.» (کشف المحجوب، ص 457)

«و بدان که خواب بر اقسام است: خوابی باشد به غفلت و خوابی بود به عادت، و آن خوابی بود نه محمود بلکه معلول بود، زیرا که برادر مرگ است و در خبر آمده است که خواب، برادر مرگ است و خدای متعالی می گوید: "وَهُوَ الَّذِي يَتَوَقَّأَكُم بِاللَّيْلِ" (رساله قشیریه، ص 699 - 700)

پس از این دو منبع مهم، اقوال و افعال اصحاب حضرت رسول (ص) و مشایخ صوفیه، برای رد و پذیرش خواب مورد توجه این متون است:

«و خواب، ضد علم است و برای این گفته است، شبلی که اندکی خواب در هزار سال فضیحتی بود. و شبلی گوید حق تعالی اطلاع کرد بر من و گفت هر که بخشید، غافل بود و هر که غافل شود، محجوب بود و شبلی بعد از آن نمک در چشم کردی تا وی را خواب نیامدی و اندر این معنی گفته اند: عَجِباً لِلْمَحَبِّ كَيْفَ يَنَامُ / كُلُّ نَوْمٍ عَلَيَّ الْمَحَبِّ حَرَامٌ.» (همان، ص 700 - 701)

برخی از آنان، چنان خواب را ناپسند می پنداشتند که پدید آمدن زن را نتیجه آن می دانستند: «اگر اندر خواب هیچ خیر بودی و یا مر محبت و قربت را علت گشتی، بایستی تا در بهشت که سرای قربت است، خواب بودی. چون اندر بهشت خواب و حجاب نبود، دانستیم که خواب، حجاب است و ارباب لطایف گویند که چون آدم عم اندر بهشت بخفت، حوا از پهلوی چپ وی پدیدار آمد و همه بلای وی از حوا بود.» (کشف المحجوب، ص 460)

عجیب تر آنکه آیه «يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبُحُكَ» (صافات / 102) که در غالب متون، به عنوان رؤیای صالحه و صادقه مطرح است، در برخی متون، جزای کسی دانسته شده که لحظه‌ای از دوست غافل می شود: «و این جزای آن است که بخشید. اگر تو را خواب نبود، پسرت را قربان نفرمودی.» (رساله قشیریه، ص 700)

با این حال، گروهی دیگر به استناد اقوال و احوال مشایخ بزرگ، خواب را بر بیداری برتری می دادند: «و من دیدم گروهی از مشایخ که خواب را بر بیداری فضل

نهادند بر موافقت جنید از آنچه نمود اولیا و بزرگان و بیشتری از پیغمبران صلوات الله علیهم و رضی الله عنهم به خواب پیوسته است.» (کشف المحجوب، ص 459)

«شیخ الاسلام گفت که شاه چهل سال بنخفته بود بر طمع. وقتی ناگاه فراخواب شد، حق تعالی را به خواب دید، بیدار شد. این بیت گفت:

رایتک فی المنام سرور عینی فاجبت التنعس و المناما  
پس از آن، پیوسته همی خفتی، یا وی را خفته یافتندی یا در طلب خواب.» (طبقات الصوفیه، ص 237)

در مجموع، این متون در بخش ویژه نوم و خواب و آداب آن، بیش از آنکه خواب را ناپسند بشمرند، به تأیید خواب و انواع آن با استناد به آیات و احادیث نبوی، و اقوال مشایخ به نقل خواب‌های بزرگان تصوف پرداخته‌اند: «اما حدیث خواب اصلی است متفق علیه میان اهل ملت‌ها کافر و مؤمن و موحد و ملحد و همه متفق اند قبول خواب را. و دلیل این، خواب یوسف است علیه السلام که گفت: "إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا" و خواب آن [دو] جوانمرد که در زندان با یوسف خواب ملک باز گفتند...» (شرح التعرف، 1779/5)

نکته حائز اهمیت، این است که به تصریح بعضی از مهم‌ترین آثار عرفانی، ذکر مدام و عمل نیکو در بیداری، موجب رؤیای صادقه می‌شود؛ به تعبیر دیگر، وضعیت بیداری تعیین‌کننده وضعیت خواب و نوع آن است: «و اندر خبر همی آید که راست‌ترین خواب شما، خواب آن کس بود که راست‌گوی‌تر باشد.» (رساله قشیریه، ص 699)

این مسئله با نظریات روان‌کاوی امروز در باب خواب، بسیار نزدیک است<sup>4</sup> و خود مهر تأییدی بر افکار و تعالیم والای عرفانی درباره خواب است. در بعضی حکایات، رد پای «نظریه خواب ادامه فعالیت‌های بیداری است»<sup>5</sup> دیده می‌شود: «حسن، آن شب از اندیشه در خواب برفت که این چه بود که من کردم؟ من خود غرق‌ام، غرقه دیگر را چون دست گیرم؟ در این اندیشه در خواب رفت. شمعون را دید چون شمعی تابان، تاجی بر سر و حله‌ای در بر، خندان؛ در مرغزار بهشت، خرامان و...» (تذکره الاولیا، ص 100)

در اولین منبع مورد بررسی یعنی *اللمع فی التصوف*، اثر ابونصر سراج در قرن چهارم، فصلی برای خواب و آداب آن اختصاص داده نشده، اما در *التعرف لمذهب التصوف*، اثر

ابوبکر کلابادی در نیمه دوم قرن چهارم و شرح معروف آن، شرح التعرف لمذهب التصوف اثر مستملی بخاری، در نیمه اول قرن پنجم، بابتی برای خواب و رؤیا اختصاص داده شده است:

- «باب السبعون: تنبیه ایاهم فی الرؤیا و لطائفها» (کتاب تعرف، ص 154)

- «الباب الثالث و الستون: قولهم فی تنبیه ایاهم فی الرؤیا و لطائفها» (شرح التعرف،

(1779/5)

شرح التعرف نسبت به تعرف، بیشتر مفهوم خواب را تشریح کرده است. هر دو کتاب به ذکر چند خواب از بزرگان تصوف درباره پیامبر و حسن بصری و... پرداخته‌اند.

کشف المحجوب، از اولین منابع تصوف به زبان فارسی، اثر ابوالحسن علی ابن عثمان الجلابی هجویری در نیمه اول قرن پنجم، نسبت به آن دو کتاب، به طور جدی تری به خواب و رؤیا پرداخته و علاوه بر ذکر انواع خواب مشایخ صوفیه، بابتی برای آن اختصاص داده است: «باب نومهم من السفر و الحضر» (کشف المحجوب، ص 457)

ترجمه رساله قشیریه نیز مانند کشف المحجوب، در ضمن ذکر احوال بزرگان صوفیه به خواب آن‌ها پرداخته و بابتی ویژه برای خواب قرار داده است: «باب پنجاه و چهارم: آنچه در خواب بدین قوم نمایند» (رساله قشیریه، ص 697)

طبقات الصوفیه، اثر خواجه عبدالله انصاری که از لحاظ زمانی بر ترجمه رساله قشیریه تقدم دارد، تذکرة الاولیای شیخ فریدالدین عطار، اسرار التوحید محمد ابن منور (قرن ششم) و مناقب العارفين شمس‌الدین احمد افلاکی (قرن هشتم) به لحاظ ساختار روایتی و حکایتی خود، بخش ویژه‌ای برای خواب و رؤیا ندارند، اما در ضمن حکایات، خواب‌های فراوانی با موضوعات مختلف بیان می‌کنند که از اهمیت خاصی برخوردار است.

یکی از بزرگ‌ترین آثار تعلیمی عرفانی قرن ششم، کیمیای سعادت امام محمد غزالی است که در جزئی‌ترین مسائل سیاسی، شرعی و عرفانی، مطالب سودمندی دارد، برای آداب خواب صوفیه و انواع آن، مانند کتب دیگر بابتی اختصاص نداده است.

در آداب المریدین شیخ ضیاءالدین ابوالنجیب سهروردی (قرن ششم)، عموی شیخ شهاب‌الدین سهروردی، سرسلسله سهروردیه، می‌توان درباره انواع خواب نظیر «خواب

لله»، «خواب بالله» و «خواب عن الله» و آداب خواب صوفیه، مطالب ارزشمندی یافت.  
(ر.ک: آداب المریدین، ص 140-142)

در مقامات ژنده پیل و انیس التائبین شیخ احمد ژنده پیل (قرن ششم) جز چند مورد  
معدود، مطلب قابل ملاحظه‌ای درباره خواب نمی‌توان یافت. (ر.ک: مقامات ژنده پیل،  
ص 117-118)

همچنین در 63 باب عوارف المعارف شیخ شهاب‌الدین سهروردی که بنا به اظهار  
علامه همایی، صوفیان قرن هفتم و هشتم، اعمال طریقت و رسوم خانقاه را از این کتاب  
می‌گرفتند<sup>6</sup>، جز در باب 45، 46 و 47 که ذکری از خواب شده<sup>7</sup>، هیچ باب مستقلاً درباره  
آن نیامده است.

اما در مصنفات قرن هفتم و هشتم که پس از عوارف المعارف تألیف شده، به تفصیل  
درباره خواب و انواع آن و حتی ماهیت آن، توضیحات دقیقی بیان شده است. هدف  
غالب آن‌ها تعیین مرز بین «خواب» و «واقع»<sup>8</sup>، «وحی» و «الهام»، و «کشف» و «شهود»<sup>9</sup>  
است و این مقولات را به طور دقیق، مقایسه و موشکافی می‌کنند. معروف‌ترین این کتب  
عبارت‌اند از: مرصاد العباد شیخ نجم‌الدین رازی (قرن هفتم)، الانسان الکامل عزیزالدین  
نسفی و مصباح الهدایه شیخ عزالدین محمود کاشانی (قرن هشتم).

تلاش مؤلفان این کتب، همان‌گونه که گفته شد، در بیان تفاوت واقع و خواب و  
کشف و وحی و الهام به استناد آیات و احادیث و احوال مشایخ بوده است. برخی از این  
کتاب‌ها مانند مصباح الهدایه و الانسان الکامل سعی می‌کنند تعریفی جامع و علمی از  
خواب ارائه دهند. بخش مربوط به خواب و رؤیا را در کتب یاد شده، می‌توان با عناوین  
زیر مشاهده کرد:

- «فصل شانزدهم: در بیان وقایع غیبی و فرق میان خواب و واقع» (مرصاد العباد،  
ص 289-298)

- «تحقیق در کشف مجرد و کشف مخیل و خیال مجرد» (مصباح الهدایه، ص 172-  
179)

- «آداب خفتن و تدبیر کم کردن خواب» (همان، ص 281-283)  
- «رسالة هشتم: در بیان وحی و الهام و خواب» (الانسان الکامل، ص 233-245)

در ده رساله شیخ محیی‌الدین عربی، گرچه هیچ باب و فصلی درباره خواب نیامده، در یکی از رساله‌های آن به نام رساله الغوث، از خواب به تعبیری دیگر یاد شده است: «گفت جل جلاله مرا که: ای غوث اعظم خواب کن در پیش من، نه مثل خواب عامه خلایق تا مرا ببینی. گفتم یارب! چگونه خواب کنم پیش تو؟ گفت: رب- جل جلاله- که خواب کن به فرو نشانیدن نفس از شهوت‌ها و فرو نشانیدن دل از خطرات و ملاحظه غیر من هر چه باشد.» (ده رساله، ص 37)

بنا بر آنچه گفته شد، کتب عرفانی مشهور از قرن چهارم تا قرن هشتم، در باب خواب به دو دسته کلی تقسیم می‌شود:

الف. کتب تعلیمی- عرفانی مانند مصباح الهدایه، مرصاد العباد، الانسان الكامل، قسمت‌هایی از کشف المحجوب، ترجمه رساله قشیریه و... که با استناد به آیات قرآن و احادیث نبوی و اقوال و احوال مشایخ به مقوله خواب و رؤیا تعریف و انواع آن پرداخته‌اند.

ب. کتب تذکره و قصص بزرگان صوفیه مانند تذکره الاولیا، اسرار التوحید، طبقات الصوفیه و... که هیچ بخشی درباره خواب و رؤیا ندارند، اما انواع خواب‌هایی که صوفیه دیده‌اند، نقل می‌کنند.

در این گفتار، مراد از خواب، رؤیایی است که صوفیه آن را به «صادقه»، «صالحه» و «اضغاث احلام» تقسیم کرده‌اند نه جنس خواب مقابل بیداری؛ و چون برخی از منابع اولیه عرفانی مانند رساله قشیریه، کشف المحجوب، اسرار التوحید و تذکره الاولیا، این واژه را بدین مفهوم به کار برده‌اند؛ ما نیز از آن تبعیت کرده‌ایم.

## 2. خواب پیامبر

وجود گرامی پیامبر (ص) پس از حضرت حق، در عرفان مقامی بس رفیع دارد که هر صوفی و عارف متمکن و به حقیقت رسیده‌ای را به خود جذب کرده است.

شیخ محیی‌الدین عربی، از عارفان والامقامی است که به گواه آثار معروفش، فتوحات مکیه و فصوص الحکم، سخت شیفته پیامبر اسلام (ص) است و جمله هستی را تجلی «حقیقت محمدی» می‌داند. ایشان در رساله الغوثیه، تجلی الوهیت حق را مختص محمد (ص) می‌داند و غرض از وجود محمدی را حق تعالی می‌داند که کمال این

سعادت به هیچ یک از انبیا و اولیا داده نشد، اما متابعان خاص او را بهره‌ای داد: «لا یزال العبدُ یَتَقَرَّبُ الی النوافل حتی احبه فاذا احبته کنت له سمعاً و بصرأ و یدأ و مؤیدأ و لسانأ بی یسمعُ و بی یبصر و بی ینطق و بی ییطش. و این خاصیت و این سعادت از تجلی ذات الوهیت است.» (ده رساله، ص 29)

در تمهیدات عین‌القضات، این مرتبه والای عشق با لحنی صمیمی به زیبایی توصیف شده است: «دریغا حجت محبت خدا با مصطفی، هم محبت خود باشد. چه می‌شنوی ای آن‌که مطالعه این کلمات می‌کنی؟... چه می‌شنوی ای گدای امت محمد که موسی حامل سر کلمات اسرار شد، تو این کلمات چگونه تحمل می‌کنی؟ این خود رفت، مقصود آن بود که گفتم که خدا جز عاشق خود نیست. پس گفتم که محبت مصطفی هم محبت خدای عز و علا بود مر خود را.» (خاصیت آینگی، ص 163)

بنابراین پس از حضرت حق، وجود گرامی پیامبر به عنوان تجلی تام عشق الهی در میان عرفا و صوفیه مطرح است و خواب ایشان پس از خواب حق تعالی، گرامی‌ترین خواب‌هاست. مقصود از خواب پیامبر، به خواب دیدن ایشان است که در متون نظم و نثر معمولاً برای نجات معنوی یک فرد از انحراف و گناه و رهایی از سرگشتگی رخ می‌دهد. خواب‌هایی که از پیامبر در حالات مختلف دیده شده، مؤید گفته‌ای است که در بعضی از متون عرفانی-تعلیمی آمده است دال بر اینکه پیامبر مانند وجود اقدس حق تعالی در بیداری دیده نمی‌شود، اما در خواب رؤیت می‌شود: «و گفته‌اند در خواب معنی‌هاست که اندر بیداری نیست یکی آنکه پیغامبر صلوات الله علیه و سلم، به خواب ببیند به بیداری نبیند و یاران و سلف صالح و خدای تعالی به خواب ببیند و به بیداری نه؛ و این فضلی بزرگ است.»<sup>8</sup> (رساله قشیریه، ص 703 - 704)

دیگر اینکه چنانچه این خواب‌ها و رؤیاها که در این متون نقل گردیده، ادعایی بیش نباشد، بنا بر حدیثی از ایشان در رساله قشیریه و شرح تعرف، باید تمامی این خواب‌ها را درست انگاشت: «پیغمبر علیه‌السلام گوید: من رأنی فی المنام فقد رأنی فان الشیطان لا یتمثل بی. و دید معزول بود از آنکه خویشان را بر صورت او بتوانستی نمودن. پس هر که سید را در خواب ببیند، به حقیقت او باشد.» (شرح‌التعرف، 1781/5)

خوشبختانه خواب‌هایی که از پیامبر در آثار صوفیه دیده می‌شود، از گستره عظیم

موضوعی برخوردار است و می‌توان آن‌ها را از زوایای مختلف، مورد ارزیابی و تحلیل قرار داد. در این پژوهش، از کتاب *اللمع تا مصباح الهدایه و الانسان الكامل* یعنی کتب معروف منشور چهار قرن صوفیه ایران، حدود 73 خواب بررسی شد که بیشترین آن‌ها در کتاب *تذکره الاولیای عطار* آمده است.

بعضی از خواب‌ها در چند کتاب با تغییر اندکی ذکر شده است مثلاً خواب ابوبکر کتانی که پیامبر (ص) وی را با حضرت علی (ع) آشتی داد در تعرف و شرح آن، کشف المحجوب، *تذکره الاولیا* و ترجمه رساله قشیریه دیده می‌شود. همچنین خواب جنید که پیامبر (ص) وی را به سخن و وعظ امر می‌کند و ابوحنیفه که سه بار ایشان را به خواب می‌بیند در کشف المحجوب و *تذکره الاولیا* ذکر شده، اما برخی خواب‌ها مانند خواب‌های پیامبر (ص) در *اسرار التوحید و مناقب العارفين*، جز در یک کتاب در هیچ منبعی نیامده است.

می‌توان این خواب‌ها را در موضوعات زیر بررسی کرد.

## 1.2. هنگام مرگ یک عارف

در این نوع خواب‌ها پیامبر (ص) هنگام مرگ یک صوفی و عارف نامدار مانند جنید و ذوالنون به خواب بزرگان هم‌عصر او می‌آمد و خبر مرگش را اعلام می‌داشت: «کسی آن شب به خواب دید مصطفی را صلی الله علیه و سلم که می‌شتافتید. آن کس وی را گفتید: یا رسول الله، کجا می‌روی چنین؟ گفتید که: به جنازه خلیفه می‌شتابم که برفت. دیگر روز آن کس در بغداد می‌گشت و برمی‌رسید از خلیفه. گفتند: به سلامت است. آخر شنید که جنید برفته بود. مصطفی صلی الله علیه و سلم، وی را می‌گفته بود، خلیفه.» (طبقات الصوفیه، ص 196-197)

«پس (ذوالنون) وفات کرد. در آن شب که از دنیا برفت، هفتاد کس پیغمبر را به خواب دیدند، گفتند گفت: دوست خدایی خواست آمدن، به استقبال او آمده‌ایم.» (تذکره الاولیا، ص 210)

خواب اعلام مرگ جنید تنها در *طبقات الصوفیه* آمده است، اما خواب پیامبر (ص) را در مرگ ذوالنون و ابوحنیفه یا نوفل ابن حیان را می‌توان در کتاب‌های کشف المحجوب (ص 115-116 و 125) و *تذکره الاولیا* (ص 290) دید.

## 2.2. تجلیل از مقام یک عارف

فردی از عارفی مشهور، پندار غلط داشته یا با او دشمن بوده است. در این حال پیامبر به خواب وی می‌آمد و او را از این پندار بیرون می‌آورد و بزرگی عارف مورد نظر را خاطر نشان می‌کرد؛ و یا برای دوستان و اصحاب آن صوفی نامدار، مقام والای او را متذکر می‌شد یا اینکه آینده درخشان و کمال او را به خودش خبر می‌داد. تعداد این خواب‌ها فراوان است؛ برای نمونه چند حکایت آورده می‌شود:

- «از شیخ بوسعید بلخی شنودم قدس الله روحه العزیز که گفت: وقتی مصطفی را صلوات الله و سلامه علیه در خواب دیدم که ما را گفت: یا باسعید! همچنانک من، که محمدم، آخرین پیغمبران بوم تو نیز آخرین جمله اولیایی، بعد از تو هیچ ولی ظاهر نباشد. و انگشتی از انگشت خویش بیرون کرد و به من داد.» (اسرار التوحید، 1/235)

- «یک روز (ابوالقاسم قشیری) بر سر منبر گفت که: فرق میان من و ابوسعید آن است که ابوسعید خدای را دوست می‌دارد و خدای تعالی ابوالقاسم را دوست می‌دارد. پس ابوسعید ذره‌ای بود و ما کوهی. این سخن با شیخ گفتند. شیخ گفت: ما هیچ نیستیم، آن کوه و آن ذره همه اوست... استاد را از آن سخن انکاری پدید آمد بر سر منبر گفت: هر که به مجلس ابوسعید رود، مهجوری یا مطرودی بود. همان شب مصطفی را در خواب دید که می‌رفت. استاد پرسید که: یا رسول الله، کجا می‌روی؟ گفت: «مجلس ابوسعید می‌روم که هر که به مجلس او نرود، مهجوری بود یا مطرودی.» (تذکره الاولیاء، ص 839-840)

- «روزی حضرت چلبی حسام‌الدین در بندگی حضرت مولانا، عظم الله ذکرهما، تقریر می‌کرد که امشب در مبشره خواب دیدم که بلال حبشی رضی الله عنه، کلام الله را بر بالای سر برداشته بود و حضرت سید الاولین و الآخرین، محمد امین صلی الله علیه و سلم، کتاب مثنوی را در بر گرفته و مطالعه می‌فرمود و به اصحاب کرام مباهات می‌کرد و تفاخر می‌نمود و سرافشانی می‌کرد.» (مناقب العارفين، 2/767)

همچنین تجلیل پیامبر در خواب از مقام ابوحنیفه و نوفل ابن حیان، محمد ابن ادریس شافعی، بایزید و بشر حافی در کشف المحجوب (ص 113، 115-117، 145 و 257) ابوسعید ابی‌الخیر و احمد بابوفله در اسرار التوحید (1/104-105، 234 و 375) رابعه،

بشر حافی، غلام عبدالله مبارک، ابوحنیفه، محمد ابن علی ترمذی، جنید، ابوالحسن خرقانی و ابوسعید در تذکرة الاولیا (ص 129، 184، 263، 290، 291، 455، 556، 688 و 840) و بهاء ولد و مولوی را در مناقب العارفين (10/1، 209-210، 393 و 428-429) می توان دید. نیز در یکی از خواب‌های ابوسعید، پیامبر با اشاره و سخن کوتاه از مقام شامخ حضرت زهرا (س) (اسرار التوحید، 268/1) تجلیل می کند.

### 3.2. هنگام مشکل و مسئله

در این دسته از خواب‌ها، عارف و شیخ صوفی به مشکلی برخورد می کرد و در حل آن ناتوان می شد. حضرت در خواب به وی ظاهر می شد و آن مشکل را رفع می کرد. این مشکل گاه «دشمنی یک شیخ با شیخ دیگر» بود مانند دشمنی شیخ ابوالقاسم قشیری با ابوسعید که به آن اشاره شد، شمس الدین ماردینی با مولانا و کدروت ابوبکر کتانی با حضرت علی (ع)؛ و گاه مشکل در باب مسئله «علمی و دینی» بود که توسط پیامبر گره گشایی می شد و گاهی مشکل در زمینه «فقر و بینوایی» بود مانند خواب ابن جلابر تربت پیامبر (ص). (رساله قشیری، ص 708-709):

«قال: سَمِعْتُ ابابکر محمد بن غالب يقول: سَمِعْتُ محمد بن خفیف يقول: سمعتُ ابابکر محمد بن علی الكتانی يقول: رأيتُ رسول الله صلى الله عليه و سلم في عادتی— فكانت العادة قد جرت له أنه كان يرى النبي صلى الله عليه و سلم كل ليلة اثنين و خمسين، فسأله مسائل، فيجيبه عنها. قال: فرأيتُه قد اقبل عليّ و معه اربعة نفر. فقال لي: يا ابابکر اتعرف من هذا؟»

قلت: نعم، هو ابوبکر... فجمع كفه و اشار بها اليّ، ثم بسطها، و ضرب بها صدري و قال لي: يا ابابکر قل هذا علی بن ابيطالب. فقلت: يا رسول الله، هذا علی بن ابيطالب؟<sup>9</sup> قال: فاخى عليه السلام بين و بين علی رضی الله عنه...» (کتاب تعرف، ص 154-155)

«وی (ابوعلی الکاتب المصری) گوید: هر چیزی که بر من مشکل شدی، مصطفی را صلی الله علیه و سلم، به خواب دیدم و از او پرسیدم.» (طبقات الصوفیه، ص 453)

«ابوبکر کتانی گفت: در شبی پنجاه و یک بار پیغمبر را— علیه السلام— به خواب دیدم و مسائل پرسیدم.» (همان، ص 594)

«همچنان از شیخ کمال الدین منقول است که شبی خدمت شیخ صدرالدین رحمه الله

علیه، مصطفی را صلی الله علیه و سلم در خواب دید و مشکلات مسائل که بدو پوشیده بود، استفسار کرده، بر او کشف می‌شد و می‌دید که حضرت مولانا برابر رسول نشسته است و قول او را تصدیق می‌کند و تحسین می‌فرماید. «مناقب العارفین، 1/ 428-429»

دیدار ابوبکر کتانی با پیامبر (ص) در خواب به همراه چهار خلیفه و آشتی وی با حضرت علی (ع) اول بار در تعرف کلابادی آمده، سپس در شرح تعرف (1780/5) و تذکرة الاولیا (ص 592) آمده است. همچنین «خواب پدر رابعه»، «یحیی ابن معاذ»، «رفع مشکل مالی آن‌ها»، «خواب دشمنی زاهدی که با محمد ابن علی ترمذی» و «شیخ جعفر خلدی» (همان، ص 129، 410، 556 و 785) و «خواب شیخ شمس‌الدین ماردینی»، «شیخ صدرالدین» و «تغییر نظرشان درباره مولانا» (مناقب العارفین، 2/ 209-210 و 393) در این باب است.

## 4.2. توصیه‌ها و دستوره‌ای پیامبر (ص) در خواب

توصیه‌ها و دستوره‌ای پیامبر (ص) در خواب به افراد و مشایخ در راهنمایی آن‌ها بسیار سودمند بوده که آن‌ها را می‌توان در موضوع‌های زیر بررسی کرد:

**1.4.2.** این توصیه‌ها و دستورات گاه در امور ضروری زندگی نظیر ازدواج بوده است مانند «ازدواج جلال‌الدین حسین بهاء ولد با دختر پادشاه خراسان»: «و گویند حضرت جلال‌الدین حسین پیوسته به سبب عزوبت خود متردد خاطر بودی و از شکایت شر الناس عز ابها اندیشه کردی... همانا که همان شب حضرت سلطان المرسلین و حبیب رب العالمین، محمد امین را صلی الله علیه و سلم به خواب دید که دختر پادشاه خراسان را نکاح کن؛ همچنان به تقدیر الهی همان شب هم پادشاه و هم وزیر و هم ملکه جهان، در خواب حضرت رسول را علیه السلام بدیدند که ملکه جهان را به حسین خطیبی نکاح کردم.» (مناقب العارفین، 1/ 8-9)

**2.4.2.** گاه در زمینه امور معنوی نظیر ساختن مسجد و خانقاه و کمک به دیگران بوده است: «چون استاد بوعلی (دقاق) به نسا آمد به زیارت مشایخ، و صوفیان را بقعه‌ای نبود، آن شب بنخفت. مصطفی را علیه‌السلام به خواب دید که او را فرمود که: از جهت صوفیان آنجا بقعه‌ای ساز. و بدان موضع که اکنون خانقاه است، اشارت کرد و خطی گرد آن درکشید، که چندین باید ساخت. دیگر روز بامداد استاد بوعلی برخاست و بدان

موضع آمد آن خط که مصطفی صلوات الله علیه برکشیده بود بر زمین، همچنان ظاهر بود همگنان بدیدند و استاد هم بر آن خط، دیوار خانقاه و آن بقعه متبرکه بنا نهاد و تمام کرد.» (اسرار التوحید، 39/1)

ماجرای «عصیده ندادن جریری به درویشی» و «مسجد ساختن شیخ ابواسحاق شهریار کازرونی» (تذکره الاولیا، ص 606\_796) نیز در این زمینه است.

**3.4.2.** گاه نیز جنبه ارشادی و پند و اندرز داشته است؛ البته بسیاری از خواب‌ها را می‌توان در این دسته جای داد، اما آن خواب‌هایی که مستقیماً برای پند و اندرز بوده، تعدادشان زیاد نیست. جالب این است که اولین خوابی که از پیامبر دیده شده، در این زمینه است یعنی خواب «ابوحازم مکی» که ذکر آن گذشت: «هن کی علی ابن عثمان الجلابی ام پیغمبر را صلعم، به خواب دیده گفتم یا رسول الله او صنی گفت احبس حواسک. حواس خمسۀ خویش را اندر حبس کردن تمامی مجاهدت باشد.» (کشف المحجوب، ص 415)

**4.4.2.** گاه پیامبر بر یک صوفی در خواب ظاهر می‌شد و او را به کاری امر و یا از آن نهی می‌کرد:

«سری سقطی گفت: تو را وعظ باید گفت! جنید متردد شد و رغبت نمی‌کرد، و می‌گفت: با وجود شیخ، ادب نباشد سخن گفتن. تا شبی مصطفی را- صلی الله علیه و آله و سلم- به خواب دید که گفت: سخن گوی.» (تذکره الاولیا، ص 453)

«دستور فتوا دادن به جنید»، «دستور سماع نکردن به ابوسعید خراسی»، «دستور به زاهدی برای تکریم حکیم ترمذی»، «نهی از نماز خاص پیامبر به محمد ابن خفیف» در تذکره الاولیا (ص 455، 488، 556 و 600)، «امر به شیخ ابوالقاسم قشیری برای سلام به بابوفله» در اسرار التوحید (2/357)، «نهی ابوحنیفه از عزلت»، «دستور وعظ به جنید بغدادی» در کشف المحجوب (ص 113 و 161-162)، «دستور وکالت درویشان به ابوعلی مشتولی» در طبقات الصوفیه (ص 454) و «امر به گریستن در هنگام خواندن قرآن با لحنی سؤالی به یزید رقاشی» و «نهی از برگشتن از راه رفته با لحن تهدیدآمیز به شیخ اباعبدالله خفیف» در ترجمه رساله قشیری (ص 715-716) در این زمینه قابل تأمل است.

**5.4.2.** در مواردی، شیخی که پیامبر را به خواب دیده برای درخواست دعا و ذکر

بوده است: «هم کتانی گوید پیغامبر صلی الله علیه و سلم، به خواب دیدم گفتم چه دعا کنم تا دل من نمیرد؟ گفت هر روز چهل بار بگوی یا حی یا قیوم یا لا اله الا انت.» (رساله قشیریه، ص 704) در تذکرة الاولیا، این دعا قدری طولانی تر است: «گفت: هر روز چهل بار بگوی- به صدق- یا حی یا قیوم یا لا اله الا انت اسألك ان تُحیی قلبی بنور معرفتك ابدأ.» (تذکرة الاولیا، ص 594)

**6.4-2.** در بعضی خواب‌ها، پیامبر از عمل صوفی مورد نظر ناراحت و گلاویه‌مند بوده است: «رسول را- علیه السلام- به خواب دیدم که می‌آمد- با دو پیر، و خلقی بسیار بر اثر او. پرسیدم که: آن دو پیر کیستند؟ گفتند: «ابراهیم خلیل و موسی کلیم، و صد و اند هزار نبی. من پیش رفتم و سلام کردم. و روی از من بگردانید. گفتم: یا رسول الله! چه کردم که روی مبارک از من برمی‌گردانی؟ گفت: دوستی از دوستان ما عصبیده‌ای از تو درخواست کرد، تو بخیلی کردی، و به وی ندادی! در حال از خواب درآمدم و گریان شدم.» (همان، ص 606)

همچنین می‌توان برای این موضوع به حکایت برخورد «عبدالله مبارک با علوی بچه»، «بی‌حرمتی در تکفین پیرمردی عارف توسط عبدالله مبارک» و «دروغ‌زن خواندن پیامبر، ذوالنون را» به تذکرة الاولیا (ص 195 و 262) مراجعه کرد.

**7.4-2.** در بعضی خواب‌ها از پیامبر (ص) طلب چیزی کرده‌اند مثلاً فردی دوستدار درویشان بوده به اشاره پیامبر (ص) وارد این حلقه شده است<sup>10</sup>، و دیگری خواهان ایمان همیشگی بوده، پیامبر (ص) بشارت آن را به وی می‌دهد: «حکایت کنند از ابوالفضل اصفهانی که گفت رسول را صلی الله علیه و سلم، به خواب دیدم گفتم یا رسول الله از خدای تعالی بخواه تا ایمان از من باز نگیرد، گفت: آن چیزی است که از این پرداخته‌اند.» (رساله قشیریه، ص 717)

در خوابی دیگر، پیامبر به تسکین خاطر رنجوری می‌پردازد که در ایام پیری، میل گناه جوانی کرده است و از این میل سخت متألم شده است. (تذکرة الاولیا، ص 558)

## 5.2. بی‌توجهی به پیامبر (ص)

در بعضی خواب‌ها، عارف و صوفی چنان مستغرق عشق حق است که از توجه به پیامبر (ص) غافل می‌شود. با وجود اینکه پیامبر، تجلی عشق و محبت الهی است و

عارفان بزرگی چون ابن عربی، عین‌القضات و شمس را مجذوب خود کرده است، اما در این نوع خواب‌ها، عارف و صوفی، چیرگی عشق الله را بر خود علتی می‌داند که به غیر او توجهی نکند؛ هر چند وجود مبارک پیامبر باشد. البته تعداد این خواب‌ها بسیار اندک است: «بوعثمان گفت: شبی به خواب دیدم که شیخ در خانقاه من مجلس می‌گفت و صاحب شرع، محمد مصطفی صلوات الله و سلامه علیه، در مجلس وی نشسته است بر یک جانب منبر و شیخ به وی ننگردی. به خاطر من درآمد که عجب است که شیخ به صاحب شرع صلوات الله و سلامه علیه نمی‌نگرد. شیخ در حال روی به من کرد و گفت: "لیس هذا وقت النظر الی الاغیار هذا وقت الكشف و المکاشفه." چون مجلس تمام کرد و به آخر رسید، روی به صاحب شرع کرد صلوات الله و سلامه علیه و به وی اشارت کرد: "و لقد اوحی الیک و الی الذین من قبلک لئن اشرکت لیحبطنَ عَمَلکَ و صلی الله علی محمد و آله اجمعین" و دست به روی فرود آورد و از منبر فرود آمد. من بیدار گشتم.» (اسرار التوحید، 1/105)

رابعه و ابوسعید خراز نیز در روایت تذکرة الاولیا چنین رؤیایی مشاهده کرده‌اند. (همان، ص 136 و 487)

## 6.2. هیئت پیامبر (ص) در خواب‌ها

از متن حکایات مشخص می‌شود که در تمامی موارد، ایشان با شمایل و تمثال مبارک خود دیده شده‌اند، اما در هیچ خوابی جزئیات چهره و اندام ایشان توصیف نشده است. در بعضی از خواب‌ها تنها به ذکر اینکه «محمد مصطفی یا رسول الله یا مصطفی... را به خواب دیدم»، اکتفا شده است.

«شیخ صدرالدین رحمة الله علیه، مصطفی را صلی الله علیه و سلم در خواب دید...» (مناقب العارفین، 1/429)

«مصطفی را صلی الله علیه و سلم به خواب دیدی...» (طبقات الصوفیه، ص 453)

تعداد این خواب‌ها نسبت به نوع دوم که گفته خواهد شد، فراوان است.

اما در برخی از خواب‌ها، حالت ایشان و همراهان او توصیف شده است. این دسته از خواب‌ها از نظر هنری، ادبی، تصویرسازی و فضا سازی نسبت به دسته اول، ارزش بیشتری دارند. در خواب ابوحنیفه علاوه بر حالت پیامبر (ص)، هیئت همراهان او یعنی

حضرت ابراهیم (ع) و ابوبکر نیز به تصویر کشیده شده است: «امام اعظم، ابوحنیفه (رض) گوید که چون نوفل ابن حیان رض را وفات آمد، من به خواب دیدم که قیامت استی و بر جمله خلق اندر حسابگاه اندی. پیغمبر را دیدم عم متشمّر ایستاده بر حوض خود و بر راست و چپ وی مشایخ دیدم ایستاده پیری را دیدم نیکو روی و بر سر موی سفید گذاشته و خلد بر خد پیغمبر نهاده و اندر برابر وی نوفل را دیدم ایستاده چون مرا دید به سوی من آمد... گفتم یا نوفل بر راست پیغمبر آن پیر کیست گفت ابراهیم خلیل الرحمن و دیگر ابوبکر الصدیق همچنین می‌پرسیدم و بر انگشت می‌گرفت تا از هفده کس پرسیدم رضوان الله علیهم اجمعین. چون بیدار شدم، هفده عدد بر انگشت گرفته داشتم.» (کشف المحجوب، ص 116)

اولین خوابی که بدین سبک و شیوه است، خواب ابوبکر کتانی در تعرف کلابادی است. در کشف المحجوب (ص 116)، خواب هجویری و در رساله قشیریه (ص 71)، خواب فرد ناشناسی پیامبر را با درویشان و فرشتگان چنین سبکی دارد. در اکثر قریب به اتفاق خواب‌ها پیامبر خود به ایراد کلام می‌پردازد و در تعداد اندکی با اشاره سخن می‌گوید، از جمله در حکایت فوق که قسمتی از آن چنین است: «وی را گفتم مرا آب ده گفت تا از پیغمبر عم دستوری خواهم پیغمبر عم به انگشت اشارت کرد تا مرا آب داد من از آن بخوردم...» (کشف المحجوب، ص 116)

«علمای بلخ در خواب دیدند که مصطفی صلی الله علیه و سلم اشارت فرمود که همگان او را سلطان العلماء گویند.» (مناقب العارفین، 20/1)

## 7.2. مشایخی که به دیدن پیامبر (ص) در خواب نایل آمده‌اند.

طبق آثار بررسی شده، حدود سی و پنج نفر از مشایخ عالی مقام به دیدن خواب پیامبر (ص) توفیق پیدا کرده‌اند که برخی از آن‌ها چند بار خواب ایشان را دیده‌اند مثلاً از ابوحنیفه و ابو عبدالله محمد ابن خفیف، سه خواب نقل شده است. همچنین عبدالله مبارک، یحیی ابن معاذ رازی، هجویری جلابی و شیخ ابوسعید ابی‌الخیر، دو بار پیامبر (ص) را به خواب دیده‌اند. ابوبکر کتانی به جز 51 بار خوابی که از پیامبر دیده و مسئله پرسیده، دو خواب معروف دیده است. مجموعاً نام مشایخ زیر راجع به خواب پیامبر (ص) در این متون دیده می‌شود:

ابوحازم مکی یا مدنی، ابوحنیفه، ابوبکر کتانی، نوفل ابن حیان، رابعه، بشر حافی، محمد ابن ادريس شافعی، جنید بغدادی، بایزید بسطامی، علی ابن حمزه اصفهانی، الحلاج، ابوعلی کاتب المصری، ابوعلی مشتولی، عبدالله نبادانی، ابن جلا، یزید رقاشی، ابو عبدالله محمد ابن خفیف، ابوالفضل اصفهانی، استاد بوعلی دقاق، هجویری جُنَّابی، شیخ ابوالقاسم روباهی، بوعثمان حیری، شیخ ابوسعید ابی الخیر، حکیم ابن محمد الابیوردی، شیخ ابوالقاسم قشیری، یحیی معاذ رازی، ابوسعید خراز، محمد ابن علی حکیم ترمذی، ابو محمد جُریری، شیخ جعفر خلدی، شیخ ابواسحاق شهریار کازرونی، حسام الدین چلپی، جلال الدین حسین (بهاء ولد)، سید برهان الدین محقق ترمذی، شیخ صدرالدین و شمس الدین ماردینی.

اما کسانی که از مشایخ و پیران صوفیه نبوده‌اند و به دیدن خواب پیامبر نایل شده‌اند، می‌توان به افراد زیر اشاره کرد:

هفتاد کس هم عصر ذوالنون مصری، یکی از بزرگان هم عصر شافعی، بزرگی در روزگار جنید، فردی هم دوره ابن عون، یکی از دوستان درویش، مردی حمّال و درویشی در روزگار ذوالنون مصری، کودکی علوی در زمان عبدالله مبارک، بزرگی دیگر از هم عصران جنید، پدر رابعه، زاهدی هم عصر محمد ابن علی حکیم ترمذی، امامی هم دوره شیخ ابوالحسن خرقانی و سیصد مفتی در دوره بهاء ولد.

بدیهی است که می‌توان همه این خواب‌ها را در منابع زیر مشاهده کرد. برای سهولت دستیابی، تعداد خواب‌ها و صفحات آن ذکر می‌شود. این منابع بر اساس تاریخ نگارش به ترتیب آورده می‌شود:

1. تعرف: دو خواب. (ص 154\_155 و 477\_478)
2. شرح تعرف: دو خواب. (5/ 1779\_1781)
3. کشف المحجوب: یازده خواب. (ص 111، 113، 115\_117، 125، 145، 161\_162، 275 و 415)
4. طبقات الصوفیه: پنج خواب. (ص 196\_197، 287\_288، 453\_454 و 460)
5. رساله قشیریّه: هفت خواب. (ص 704، 709، 711 و 715\_717)
6. اسرار التوحید: هفت خواب. (39/1، 104\_105، 234\_235، 268 و 374\_375)

7. تذکرة الاولیا: سی و چهار خواب. (ص 129، 136، 184، 193، 195، 210، 262، 290، 291، 290، 262، 291، 290، 293، 410، 453، 455، 487، 488، 556، 558، 592، 594، 600، 606، 688، 785، 796، 798 و 840)

8. مناقب العارفین: شش خواب. (8/1، 10، 20، 209-210، 428-429 و 767/2)

اولین خوابی که از پیامبر دیده شده، خواب ابو حازم مکی یا مدنی است که در سطور قبلی نقل شد. به گواه این منابع عارفی که بیشترین خواب را دیده، ابوبکر کتانی است. ابوبکر کتانی در عرفان و تصوف، چنان مقام والایی داشته است که روزی خضر در مکه با وی برخورد می‌کند و او را نمی‌شناسد، در حالی که کتانی او را می‌شناسد. در این حالت خضر متوجه می‌شود که بعضی از دوستان خدا را نمی‌شناسد حال آنکه آن‌ها او را می‌شناسند. (ر.ک: تذکرة الاولیا، ص 793)

بیشتر خواب‌ها از لحاظ ساختاری، کوتاه محسوب می‌شوند، اما بعضی از آن‌ها نظیر خواب یحیی معاذ رازی برای ادای وام سیصد هزار درهمی (ر.ک: همان، ص 410) و خواب ابوبکر کتانی و آشتی او با حضرت علی (ع) ساختار تقریباً بلندی دارند.

## 8.2. مهم‌ترین خوابی که از پیامبر (ص) دیده شده کدام است؟

تمامی خواب‌هایی که از پیامبر در متون عرفانی دیده شده، منشأ اثر و در رفع مشکلات فردی و اجتماعی گره‌گشا بوده است؛ اما به نظر می‌رسد مهم‌ترین خوابی که از پیامبر (ص) دیده شده و نتیجه آن، خلق یکی از بزرگ‌ترین آثار عرفان نظری است، خواب ابن عربی در آغاز فصوص الحکم است.

مطابق این خواب که تاریخ دقیق آن «عشره آخر محرم سنة 627 در محروسة دمشق» است، ابن عربی در خواب، کتاب فصوص الحکم را از دست مبارک پیامبر (ص) دریافت می‌کند تا «خلق از وی (فصوص الحکم) انتفاع یابند و بر کنوز حقایق و رموز دقایق آن اطلاع یابند.» (شرح فصوص الحکم، 9/1) بنابراین تمامی اطلاعات این کتاب را بدون کم و کاست نقل می‌کند: «اما بعد: فانی رأیت رسول الله صلی الله علیه و سلم فی مبشّره أریتها فی العشر الأخره من محرم سنة سبع و عشرون و ستمائة بمحروسة دمشق، و بیده صلی الله علیه و سلم کتاب، فقال لی: هذا کتاب فُصوص الحکم خُذهُ و اخرج به الی الناس یتفعمون به، فقلت: السمعُ و الطاعة لله و لرسوله و اولی الامر مناكما امرنا. فَحَقَّقْتُ

الامنية و اخلصت النية و جردت القصد و الهمة الى ابراز هذا الكتاب كما حله لي، رسول الله صلى الله عليه وسلم من غير زيادة و لا نقصان.» (فصوص الحکم، ص 47)

ابن عربی، تألیف خود را «و لا انزل فی هذا المسطور الا ما ينزل به علی» (همان، ص 48) می‌داند و اعلام می‌کند که مترجم این نزول آسمانی است نه متحکم آن؛ و دسترسی و آگاهی به حقیقت آن را خاص اهل الله می‌داند چرا که این کتاب از مقامی مقدس و منزّه از اغراض نفسانی نازل شده است: «حتی اکون مترجماً لا متحکماً، لیتحقّق من يقف عليه من اهل الله اصحاب القلوب أنه من مقام التقديس المنزه عن الاغراض النفسية التي يدخلها التلبس.» (همان‌جا)

این عبارات ابن عربی بسیار شبیه عبارات‌های عربی آغاز مثنوی است که مولانا آن را همچون قرآن، دور از دسترس ناپاکان و خاص احرار و ابرار می‌داند: «هذا كتاب المثنوی و هو اصول اصول الدين فی كشف اسرار الوصول و اليقين... الا برار فيه يأكلون و يشربون و الاحرار منه يفرحون و يطربون... لا يمسه الا المطهرون...» (مثنوی، ج 1، ص 3)

بنا بر مهم‌ترین آثار ابن عربی یعنی فتوحات مکیه و فصوص الحکم، ایشان نسبت به تمام صوفیان و عارفان اسلامی به وجود مقدس پیامبر (ص) بیشتر پرداخته و به وجود ایشان از زوایای مختلف عرفانی، حکمی و فلسفی با استناد به آیات و احادیث و اقوال نظر انداخته است. در «شجرة الكون» مهم‌ترین شاخه درخت کُن (هستی) را شاخه محمدی می‌داند که تمامی موجودات قدسی و زمینی به برتری ایشان شهادت می‌دهند: «فلما ظهر هذا الغصن المحمدي و سما اوراق عوده و نما و نهل عليه سحاب القبول و همی، و تباشر بظهور، الحدثان و بشر بوجوده الثقلان، و تعطرت بقدمه الاكوان، و انتكست بمولده الاوثان، و نسخت بمبعثه الاديان...» (ترجمه ده رساله، ص 57)

ابن عربی، تمام هستی را حاصل همان شاخه محمدی از درخت کن می‌داند: «ثم اعلم ان الغصن المحمدي، قد حصل من روحانية ما هو مادة الارواح، من جسمانية ما هو مادة الاشباح.» (همان، ص 72)

بنابراین شاید بتوان مهم‌ترین خواب از پیامبر اسلام در متون عرفانی را که منشأ بزرگی در عالم عرفان شده، خواب ابن عربی دانست که حاصلش، کتاب گرانهای فصوص الحکم است.<sup>11</sup>

## نتیجه‌گیری

پس از کشف و شهود و واقعه، خواب‌ها در آثار صوفیه و متون عرفانی، چنان ارزش والایی دارند که منشأ تحول و اثر محسوب می‌شوند. ریشه اهمیت خواب و رؤیا نزد صوفیه، ناشی از آیات قرآن، خاصه رؤیای حضرت یوسف (ع)، احادیث پیامبر و اقوال و رفتار مشایخ است.

بسیاری از آثار تعلیمی عرفانی برای خواب و رؤیا، فصل و باب ویژه‌ای اختصاص داده‌اند که در آن به تعریف و تقسیم‌بندی انواع خواب نظیر رؤیای صادقه، صالحه و اضغاث احلام پرداخته‌اند.

برخی از رؤیایها و خواها مانند به خواب دیدن حضرت حق، پیامبر، انبیا، اولیا و پیران، شرایط و مقام ویژه‌ای می‌طلبید که بعضی از مشایخ صوفیه به آن نایل آمده‌اند.

خواب پیامبر اسلام (ص) در آیین تفکر و تخیل صوفیه به عنوان رؤیای صادقه و صالحه به شمار می‌رود. در منابع مورد بحث، حدود 35 نفر از مشایخ عالی‌مقام صوفیه به دیدن خواب ایشان نایل آمده‌اند که برخی از آنان مانند ابوبکر کتانی، 51 مرتبه پیامبر (ص) را در خواب دیده است. غیر از مشایخ، افراد دیگری نیز حضرت را در خواب دیده‌اند. در مجموع، در هشت منبع مهم صوفیه از قرن چهارم تا هشتم، 73 خواب از پیامبر (ص) به صورت حکایت نقل شده است که مهم‌ترین موضوعات آنها درباره سعادت دنیوی و اخروی، سازندگی فردی و اجتماعی، تجلیل از مقام یک عارف، اهمیت سلوک و ریاضت، آبادانی مسجد و خانقاه، مرگ یک عارف، گلایه و ناراحتی ایشان از یک عارف، امور ضروری زندگی مانند ازدواج، درخواست ذکر و دعا و تداوم ایمان بوده است.

مهم‌ترین خوابی که از حضرت پیامبر (ص) دیده شده، خواب شیخ محیی‌الدین عربی است که بنا به اظهار او، تمام کتاب *فصوص الحکم* را بی‌کم و کاست از دست پیامبر (ص) دریافت کرد تا خلق را بدان هدایت کند؛ در نتیجه، یکی از بزرگ‌ترین آثار عرفانی از این خواب پدید آمد که همچنان در عرفان نظری، منشأ اثر است.

## پی‌نوشت‌ها:

2. ر.ک: *اللمع فی التصوف*، ص 93 - 104.
3. ر.ک: *مرصاد العباد*، ص 290 - 292.
4. «رؤیا به عنوان یک محصول روانی تلقی خواهد شد که معنی آن، کاملاً واضح و روشن است و می‌توان آن را دنبالهٔ فعالیت‌های روانی موقع بیداری به حساب آورد.» (تعبیر خواب و بیماری‌های روانی، ص 18)
5. «هافنر می‌نویسد: پیش از همه باید گفت رؤیا، زندگانی موقع بیداری را ادامه می‌دهد و رؤیاهای ما پیوسته با محتویاتی که اندکی پیشتر در خودآگاهی ما وجود داشتند، مربوط است.» (همان، ص 22)
6. ر.ک: *مصباح الهدایه*، مقدمه ص 45 - 46.
7. ر.ک: *عوارف المعارف*، ص 146 - 151.
8. البته مواردی یافت می‌شود که این گفته را نقض می‌کند از جمله دیدار پیامبر در بیداری با شبلی و بوسهٔ وی بر پیشانی شبلی در مجلس جنید (تذکره الاولیاء، ص 647) و نیز ملاقات پیامبر با حلاج و غرامت گرفتن از او که همان بر دار کشیدن او است. (مناقب العارفین، 1/285)
9. جملهٔ «هذا علی بن ابیطالب؟» با علامت سؤال قدری تأمل برانگیز است. در جملات قبلی، کتانی، حضرت علی (ع) را شناخته که جواب پیامبر را نمی‌دهد و می‌گوید: «فتوقفتُ و کان فی قلبی منه غیره» صریحاً کدورت خود را از حضرت اعلام می‌کند. پس آوردن علامت سؤال در آخر چنین جمله‌ای نادرست به نظر می‌رسد. کتانی این جمله را به تبعیت از پیامبر و در مقام دوستی و آشتی به زبان می‌آورد.
10. ر.ک: *رسالهٔ قشیریه*، ص 711.
11. در «فص حکمة الیهیة فی کلمة آدمیه» می‌خوانیم: «فص هر چیزی، خلاصه و زبدهٔ اوست، و فص خاتم، عبارت باشد از نگین که اسم صاحبش بر آن نویسند، تا مهر کند بر خزاین خویش. پس فص هر حکمت، عبارت باشد از خلاصهٔ علمی که حاصل بود روح نبی را از انبیای مذکورین - علیهم السلام - به حسب اسمی که غالب باشد بر آن روح.» (شرح فصوص الحکم، 1/54)

## منابع

- قرآن مجید؛ ترجمه ابوالقاسم امامی، اسوه، تهران 1371.
- *اسرار التوحید فی مقامات لشیخ ابی سعید*؛ محمد ابن منور میهنی، مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی، آگاه، تهران 1366.
- *الانسان الکامل*؛ عزیزالدین نسفی، تصحیح و مقدمه فرانسوی ماژیران موله، انجمن ایرانشناسی فرانسه، تهران 1371.
- *انیس التأئین*؛ شیخ احمد ژنده‌پیل جام، تصحیح و توضیح علی فاضل، فردوس، تهران 1368.
- *آداب المریدین*؛ ضیاءالدین ابوالنجیب، ترجمان عمر ابن محمد ابن احمد شیرکان، تصحیحات و استدراکات نجیب مایل هروی، مولی، تهران 1363.

- تذکرة الاولیا؛ عطار، فریدالدین نیشابوری، تصحیح و تحشیه رینولد آلن نیکلسون، اساطیر، تهران 1379.
- تعبیر خواب و بیماری های روانی؛ زیگموند فروید، ترجمه ایرج پورباقر، آسیا، تهران 1341.
- خاصیت آیینگی؛ نجیب مایل هروی، نی، تهران 1374.
- ده رساله مترجم؛ شیخ اکبر محیی الدین ابن عربی، مقدمه، تصحیح و تعلیقات نجیب مایل هروی، مولی، تهران 1367.
- \_\_\_\_\_؛ شیخ اکبر محیی الدین ابن عربی، ترجمه و توضیح گل بابا سعیدی، طریق کمال، تهران 1376.
- رساله قشیریه؛ عبدالکریم ابن هوازن قشیری، تصحیحات بدیع الزمان فروزانفر، زوار، تهران 1387.
- شرح التعرف لمذهب التصوف؛ ابوابراهیم اسماعیل ابن محمد مستملی بخاری، مقدمه، تصحیح و تحشیه محمد روشن، اساطیر، تهران 1366.
- شرح فصوص الحکم؛ تاج الدین حسین ابن حسن خوارزمی، تصحیح نجیب مایل هروی، مولی، تهران 1368.
- طبقات الصوفیه؛ خواجه عبدالله انصاری، تصحیح و مقابله و حواشی و فهارس از محمد سرور مولایی، توس، تهران 1362.
- عوارف المعارف؛ شیخ شهاب الدین عمر سهوردی، ترجمه ابومنصور ابن عبدالؤمن اصفهانی، به اهتمام قاسم انصاری، علمی و فرهنگی، تهران 1374.
- فصوص الحکم؛ شیخ اکبر محیی الدین ابن عربی، الزهراء، تهران 1366.
- کتاب تعرف (متن و ترجمه)؛ ابوبکر محمد کلابادی، ترجمه محمد جواد شریعت، اساطیر، تهران 1371.
- کشف المحجوب؛ علی ابن عثمان هجویری، تصحیح و ژوکوفسکی، مقدمه قاسم انصاری، طهوری، تهران 1387.
- کیمیای سعادت؛ ابوحامد محمد غزالی، به کوشش حسین خدیوچم، علمی و فرهنگی، تهران 1364.
- اللمع فی التصوف؛ ابی نصر عبدالله ابن علی طوسی سراج، تصحیح رنوالد الن نیکلسون، لیدن 1914.
- مثنوی معنوی (بر اساس نسخه قونیه)؛ جلال الدین محمد مولوی، تصحیح و پیش گفتار عبدالکریم سروش، علمی و فرهنگی، تهران 1376.
- مرصاد العباد؛ عبدالله ابن محمد نجم رازی، به اهتمام محمد امین ریاحی، علمی و فرهنگی، تهران 1377.
- مصباح الهدایة و مفتاح الکفایه؛ محمود ابن علی عزالدین کاشانی، تصحیح، مقدمه و تعلیقات جلال الدین همایی، هما، تهران 1388.
- مقامات ژنده پیل؛ خواجه سدیدالدین محمد غزنوی، مقدمه، توضیحات و فهارس به کوشش حشمت الله مؤید سنندجی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران 1364.
- مناقب العارفین؛ شمس الدین احمد افلاکی، تصحیحات و حواشی و تعلیقات تحسین یازبجی، دنیای کتاب، تهران 1362.